

جوان در کلام امام صادق (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



اشاره

در مکتب مترقی اهل بیت توجه ویژه ای به جوانان و نوجوانان شده است و هر کدام از امامان معصوم (علیه السلام) به نوعی به این گروه اجتماعی پرداخته اند. آنچه پیش رو دارید، نگاهی گذرا به جوانان از دیدگاه حضرت صادق (علیه السلام) است.

هدایت جوان ها

بعد از اینکه پدر محمد بن عبدالله بن حسن در دوران عباسیان به شهادت رسید و او دست به قیام زد و مردم را به سوی حق دعوت نمود، حضرت امام صادق (علیه السلام) به عنوان راهنمایی به او فرمود: «یا ابن اخی علیک بالشَّباب ودع عنک الشَّیوخ؛ (1) ای فرزند برادرم! جوانان را دریاب و پیران را رها کن!» امام صادق (علیه السلام) در روایات دیگر نیز این مسئله را بیان نموده اند که جوانها زودتر حرف حق را می پذیرند و به سوی خیر و نیکی می شتابند و آمادگی بیشتری دارند. از جمله، از اسماعیل بن عبدالخالق چنین نقل شده است که من شنیدم حضرت صادق (علیه السلام) از ابوجعفر اَحول می پرسید: به بصره رفتی؟ گفت: بلی، فرمود: «اقبال مردم را به امامت و ورود آنان را به این مرام چگونه یافتی؟ گفت: به خدا سوگند که شیعیان اندک اند و تلاشهایی کرده اند، امّا آن هم اندک است.

آن گاه (امام صادق (علیه السلام) به او) فرمود: «علیک بالاحداث فأنهم اسرع الی کلّ خیر؛ (2) بر تو باد به جوانان (و به دنبال آنها رفتن) که آنان در (پذیرش) هر نیکی و خیری با شتاب ترند.»

تجربه پیروزی انقلاب اسلامی و حضور جوانان در صحنه های مختلف، و جذب شدن آنان به اسلام و انقلاب و روحانیت و رهبری انقلاب، و همین طور حضور تمام عیار جوانان در صحنه های مختلف جنگ تحمیلی، دوران سازندگی و پیشرفت های علمی، مهر تأییدی است بر مضامین احادیثی که مطرح گشت.

جوان و کسب دانش

فراگیری دانش در جوانی همچون نقشی است بر سنگ که تا پایان عمر، انسان را همراهی می کند، از اینرو هر کس هرچه دارد، از جوانی دارد، به همین سبب است که پیشوایان دینی سخت بر این مسئله سفارش کرده اند که در جوانی دنبال علم و دانش باشید.

در کلام الهی نیز دوره جوانی، دوره منحصر به فردی است. آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا؛ (3) چون به حدّ رشد و کمال خویش رسید، به او علم و حکمت عطا کردیم.» امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آن فرموده اند: «اشده ثمانی عشرة سنة و استوی التحی؛ (4) اشد یعنی هجده سالگی و استوی یعنی ریش درآورد.»

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيَا فِي حَالَيْنِ : إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَطٌ ، فَإِنْ فَرَطَ صَيِّعٌ ، وَإِنْ صَيِّعَ أَثِمٌ ، وَإِنْ أَثِمَ سَكَنَ النَّارَ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ؛ (5) دوست ندارم جوانان شما را جز در دو حالت ببینم: دانشمند یا دانشجو. اگر (جوانی) چنین نکند، کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کرد، تباه ساخته و اگر تباه ساخت، گناه کرده است و اگر گناه کند، سوگند به آنکه محمد (صلی الله علیه و آله) را به حق برانگیخت، دوزخ جایگاه او خواهد شد.» به همین سبب است که جوانان باید از عمر خویش استفاده کافی ببرند تا بعداً پشیمان نگردند.

جوان و عبادت

بهترین دوران برای رشد معنوی و بالندگی روح انسان، دوران جوانی است. انبیای بزرگوار که لیاقت دریافت وحی و افتخار رسیدن به نبوت را پیدا کردند، بر اثر عبادت های دوران جوانیشان بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «خداوند بزرگ به جوان عبادت پیشه، نزد فرشتگان افتخار می کند، در حالی که می فرماید: بنده ام را بنگرید! برای من خواسته های نفس خود را کنار نهاده است.» (6)

حضرت صادق (علیه السلام) نیز بر این امر تأکید نموده است، آنجا که فرمود: «إِنَّ أَحَبَّ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى شَابُّ حَدَثَ السِّنِّ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ جَعَلَ شَبَابَهُ وَ مَالَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى ذَاكَ الَّذِي يِبَاهِي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مَلَائِكَتَهُ فَيَقُولُ عَبْدِي حَقًّا؛ (7) به راستی که دوست داشتنی ترین مردم نزد خداوند، جوان کم سال و خوش سیمایی است که جوانی و زیبایی اش را در راه فرمانبری از خداوند بزرگ قرار داده است. آنکه خداوند بزرگ به وی نزد فرشتگان افتخار می کند و می فرماید این بنده حقیقی من است.»

امام صادق (علیه السلام) که بیش از دیگران به سخنان خویش عمل می کرد، در جوانی اهل بیش ترین عبادت بود. ایشان می فرمایند: «اجتهدت في العبادة و انا شابُّ فقال لي أبي يا بنيّ دون ما أراك تصنع فإنّ الله عزّ وجلّ

اِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضَى عَنْهُ بِالْيَسِيرِ؛ (8) در جوانی بسیار در عبادت می کوشیدم. پدرم به من فرمود: فرزندم! از آنچه انجام می دهی، کم کن، زیرا خداوند عزیز و جلیل اگر بنده ای را دوست بدارد، با عبادت کم هم از او خشنود می گردد.»

آثار عبادت در جوانی

عبادت در هر سنّ و سالی، آثار گرانبگی دارد، اما در جوانی آثار و برکات ویژه ای به همراه خواهد داشت. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: پیامبر خدا، نماز صبح را با مردم خواند. سپس جوانی را در مسجد دید که از شدّت بی خوابی سر می جنباند. رنگش زرد بود، جسمش لاغر و چشمانش در کاسه سر فرو رفته بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وی فرمود: جوان! چگونه صبح کردی؟ گفت: ای پیامبر! با یقین صبح کردم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سخنش شگفت زده شد و فرمود: هر یقینی حقیقتی دارد. حقیقت یقین تو چیست؟ گفت: ای پیامبر! یقین من همان است که مرا اندوهگین ساخته و شب ها بیدار نگاهم داشته و روزها (با روزه داری) تشنه ام کرده است. خود را از دنیا و آنچه در آن است، رها ساختم. گویا بر عرش پروردگارم می نگرم که برای رستاخیز برپا شده، و مردم برای حسابرسی از قبرها سر برآورده اند و من در میان آنانم. پیامبر خدا به یارانش فرمود: او بنده ای است که خداوند دلش را به نور ایمان روشن ساخته است. سپس فرمود: آنچه داری نگهدار! جوان گفت: ای رسول خدا! برایم دعا کن که همراه تو به شهادت نایل آیم! پیامبر (صلی الله علیه و آله) برایش دعا کرد. چیزی نگذشت که در یکی از جنگهای پیامبر شرکت جست و پس از به شهادت رسیدن نه نفر، به شهادت رسید و او دهمین نفر بود.» (9)

همراهی با پدر

از اموری که حضرت صادق (علیه السلام) در مورد جوانان سفارش نموده اند، این است که آنها نباید همراهی پدر را رها کنند. خصوصاً در این دوران که دوستان ناباب و دزدان فکر و ایمان فراوان اند که بر ضرورت این کار می افزایند، چرا که پدر دلسوز همیشه مواظب است که خطر انحراف جوانش را تهدید نکند. حضرت صادق (علیه السلام) فرموده اند: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سَنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعَ سَنِينَ وَ الزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سَنِينَ؛ (10) بگذار فرزندت هفت سال بازی کند (و آزاد باشد) و هفت سال تربیت شود و هفت سال او را با خود همراه بدار.»

جوان و خوش اخلاقی

اخلاق نیک برای همه لازم، مفید و مثمر ثمر است، چنان که امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «حسن الخلق من الدّین و هو یزید فی الرّزق؛ (11) خوش خلقی بخشی از دین است و روزی را افزون می کند.» اما این امر برای جوان زیباتر، مفیدتر و لازم تر است. ایشان در جای دیگری چنین می فرمایند که هرگاه ورقه بن نوفل بر خدیجه دختر خویلد وارد می شد، به وی چنین سفارش می کرد: «اعلمی أنّ الشّاب الحسن الخلق مفتاحٌ للخیر مفلّقٌ للشر؛ (12) بدان که جوان خوش اخلاق، کلید خوبیها و قفل بدیها است...».

جوان و ازدواج

از مهم ترین دغدغه های دوران جوانی، مسئله ازدواج است. هر جامعه که امر ازدواج جوانها را به خوبی و سادگی حل نموده، کم تر دچار انحرافات است. و هر جامعه ای که نسبت به این امر بی تفاوت بوده، ضربه های سختی از ناحیه انحرافات جنسی جوانان خورده است، به همین سبب، پیامبراکرم (صلی الله علیه و آله) و امام معصوم (علیه السلام) طرحها و راهکارهای مفیدی برای این مسئله اندیشیده اند.

پیامبراکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «هر جوانی که در سنّ کم ازدواج کند، شیطان فریاد بر می آورد که «وای بر من! وای بر من! دو سوّم دینش را از دستبرد من مصون نگه داشت.» پس بنده در یک سوّم باقی مانده، تقوای الهی پیشه سازد.» (13)

حضرت صادق (علیه السلام) نیز بر این امر به عنوان یک راهکار مهم تأکید دارند، آنجا که می فرمایند: «جوانی از انصار به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و از نیازمندی اش نزد ایشان شکوه کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وی فرمود: «ازدواج کن!»

جوان گفت: خجالت می کشم بار دیگر نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) باز گردم (و بگویم که با دست خالی چگونه ازدواج کنم؟! آن گاه مردی از انصار به وی رسید و گفت: دختری زیبا دارم. پس آن را به ازدواج آن جوان درآورد. از آن به بعد، خداوند در زندگی او گشایشی ایجاد کرد. جوان نزد پیامبر آمد و داستان را باز گفت. آنگاه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای جوانان! بر شما باد به ازدواج.» (14)

این دسته از احادیث، این حقیقت را ثابت می کند که در ازدواج، داشتن تمکّن مالی شرط نیست، بلکه حتی ممکن است ازدواج سبب تمکّن مالی نیز شود.

زمینه گاه در جوانی

راز اینکه امامان ما این همه بر امر ازدواج تأکید داشته اند، این است که با توجه به اینکه شهوت جنسی در دوران جوانی در اوج خود قرار دارد، زمینه گناهان ناشی از آن بیشتر است و با عدم ازدواج، احتمال آلودگی به گناهان بیشتر است.

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «وقتی یوسف با همسر سابق عزیز (مصر) ازدواج کرد، او را باکره یافت. به وی گفت: چه چیزی تو را بر آن کار (زشت که قبلاً نسبت به من کردی) واداشت؟ گفت: سه خصلت: جوانی، ثروت و اینکه همسر نداشتم. (یعنی پادشاه ناتوانی جنسی داشت) (15) این حدیث نشان می دهد که یکی از عوامل انحرافات جنسی، عدم ارضاء صحیح میل جنسی در دوران جوانی است. حضرت صادق (علیه السلام) در جای دیگر فرموده اند: «روز قیامت، زنی زیبا آورده می شود که به خاطر زیبایی اش فریب خورده است. زن می گوید: خدایا! مرا زیبا آفریدی و گرفتار شدم. مریم آورده می شود و گفته می شود تو زیباتری یا این؟ او را زیبا قرار دادیم و فریفته نشد. و نیز مرد (جوان و) زیبایی آورده می شود که به خاطر زیبایی اش (در دوران جوانی) فریفته شده است و می گوید: پروردگارا! مرا زیبا آفریدی و چنین گرفتار زنان شدم. در این هنگام یوسف (علیه السلام) آورده می شود و به وی گفته می شود: تو زیباتری یا این؟ او را زیبا قرار دادیم و فریفته نشد.»

سفارش به جوانان

حضرت صادق (علیه السلام) برای اصلاح جوانان توصیه های مهم و کارسازی دارند که به نمونه هایی اشاره می شود:

الف. ایشان در حدیثی می فرمایند: «یا معشر الاحداث اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَأْتُوا الرِّئَاسَةَ دَعْوَهُمْ حَتَّى يَصِيرُوا أَذْنَاباً لَا تَتَّخِذُوا وَ الرِّجَالُ وَ لَأَجَّ مِنْ دُونِ اللَّهِ اَنَا وَ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْهُمْ ثُمَّ ضَرْبُ بَيْدَةٍ إِلَى صَدْرِهِ؛ (16) ای گروه جوانان! تقوا پیشه کنید و نزد رئیسان نروید. رهایشان کنید تا زمانی که از ریاست بیفتند. مردان (شخصیتهای برجسته) را به جای خداوند دوست همراز مگیرید. به خدا سوگند! من برایتان بهتر از آنان هستم. آن گاه با دست بر سینه اش زد (یعنی به جای ما به دنبال رهبران ستمکار نروید).»

در این حدیث گرانسنگ حضرت به چند نکته اشاره نموده اند:

1- تقوا و پاکی را پیشه سازید.

2- به دنبال رؤسا و مقام داران نباشید.

3- شخصیت زده نشوید.

4- ما را در زندگی رها نکنید که از هر نظر مصالح شما را تأمین می کنیم.

ب. آن حضرت در جای دیگر، سخنان لقمان به فرزند جوانش را به عنوان سفارش به جوانان نقل نموده است. آنجا که می فرماید: «يَا بَنِي آيَاكَ وَ الصَّجَرِ وَ سُوءُ الْخَلْقِ وَ قَلَّةُ الصَّبْرِ فَلَا يَسْتَقِيمُ عَلَى هَذِهِ الْخُصَالِ صَاحِبٌ وَ الزَّم

نفسک التَّؤدّة فی امورک و صَبْر علی مؤونات الاخوان نفسک و حَسَن مع جميع النَّاس خَلقک؛ (17) فرزندم! بپرهیز از گرفتگی و بد خُلقی و ناشکیبایی، چرا که با این خصلتها، دوستی استوار نمی ماند. آرامش و وقار را در کارهایت حفظ کن و خود را بر هزینه کردن برای برادران وادار و با تمام مردم اخلاقت را نیکو ساز.»

پی نوشت ها :

1. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارصعب و دارالتعارف، 1401 ق، ج 1، ص 362، ح 17.
2. همان، ج 8، ص 93، ح 66.
3. سوره یوسف، آیه 22.
4. معانی الاخبار، ابن بابویه قمی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، 1361 ش، چاپ اوّل، ص 226.
5. امالی، طوسی، قم، دارالثقافة للنشر، 1414 ق، ص 303، ح 604.
6. رک: کنز العمال، متقی هندی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ج 15، ص 776، ح 43057.
7. اعلام الدین، حسن دیلمی، قم مؤسسه آل البيت، ص 120.
8. اصول کافی، ج 2، ص 87، ح 5.
9. رک: کافی، ج 2، ص 53؛ ترجمه این حکمت نامه جوان، ص 400 و 401.
10. من لایحضره الفقیه، صدوق، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ج 3، ص 492، ح 4743.
11. تحف العقول، علی بن شعبه، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، 1404 ق، ص 373.
12. الامالی، شیخ طوسی، ص 302، ح 598.
13. رک: بحارالانوار، ج 103، ص 221، ح 34.
14. رک: کافی، ج 5، ص 330، ح 3.
15. رک: بحارالانوار، ج 12، ص 296، ح 79.
16. بحارالانوار، ج 24، ص 246، ح 5؛ تفسیر العیاشی، ج 2، ص 83، ح 32.
17. من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 373، ح 5762.

نشریه پاسدار اسلام، آبان 1387، شماره 323